

ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی

دکتر جلال غفاری قدیر*، دکتر مجید بهستانی**
دکتر صفرعلی خالدیان***

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۸

چکیده

امروزه دیپلماسی فرهنگی به‌عنوان یک اصل اساسی و تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از کشورها از این ظرفیت برای دستیابی به اهداف و منافع خود استفاده می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی و با هدف ارائه دیدگاهی روشن و موجه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری خود برای بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل، در مواجهه با پدیده‌ها و موضوعات مختلف جهانی می‌تواند از دیپلماسی فرهنگی بهره‌گیرد. در همین زمینه، این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی پژوهش است که ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از آن است که فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ابعاد اصلی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. هرکدام از این ابعاد نیز دارای مؤلفه‌هایی هستند که می‌توان با اعمال آنها براساس ظرفیت‌های مشترک با جوامع هدف بر دامنه نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران افزود و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را به شکلی اثربخش در قالب یک الگوی کارآمد پیگیری کرد و دشمنان را در دامن زدن به اسلام‌هراسی ناکام گذاشت.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، اسلام‌هراسی.

*. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

**. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

***. نویسنده مسئول: دکترای مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

safa.khaleidia@gmail.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که با هدف احیای اسلام در تمام ارکان و شئون جامعه و حاکمیت احکام آن در مشی و روش دولت و بسط ارزش‌های دینی در بین آحاد جامعه شکل گرفت، تاریخ جدیدی را در حیات انسانی رقم زد و شکست سخت و ناباورانه‌ای بر جبهه مستکبران تحمیل کرد؛ لذا از نخستین روزهای پیروزی انقلاب، برنامه‌ریزی دشمن برای لطمه زدن به انقلاب اسلامی و بنیادهای آن آغاز شد. دشمنان ابتدا با بهره‌گیری از روش‌های برانگیختن، شورش، ترور شخصیت‌های برجسته انقلاب، انجام دادن کودتاهای نافرجام و در نهایت، به راه انداختن جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق برای براندازی انقلاب اسلامی اقدام کردند. در جنگ تحمیلی که شدیدترین نوع جنگ سخت در مواجهه با انقلاب اسلامی بود، دشمن به دنبال فتح سرزمینی بود و براندازی انقلاب از طریق نظامی را هدف گرفته بود. اما به‌رغم حمایت همه جهان از رژیم صدام، مردم مسلمان ایران با پیروی از احکام اسلام با محوریت ولایت فقیه، اراده شیطانی استکبار را به خاک ذلت کشیدند و برگی زرین در تاریخ کشور از خود به یادگار گذاشتند. بزرگ‌ترین دستاورد جنگ تحمیلی این بود که به جامعه بشری و به‌خصوص جهان اسلام نشان داد که تنها راه سرافرازی، مقاومت در برابر نظام سلطه جهانی و تکیه بر مبانی دینی و فرهنگی اسلام ناب محمدی (ص) است.

با ناکامی دشمنان در عرصه جنگ سخت، تلاش اصلی آنان بر حوزه جنگ نرم، به خصوص اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی متمرکز شد تا بتوانند با اغواگری دینی - فرهنگی و ایجاد رعب و وحشت روانی از موج پیش‌رونده انقلاب اسلامی که مبتنی بر اندیشه‌های اسلام ناب است، بکاهند. در واقع، در چهار دهه گذشته تمام تلاش دشمنان بر این موضوع متمرکز بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود؛ لذا دشمنان همچنان تلاش خواهند کرد تا به انحای مختلف، به‌ویژه با ایجاد و دامن زدن به موج اسلام‌هراسی در بعد بین‌المللی و منطقه‌ای از نفوذ و تأثیر اسلام و فرهنگ برآمده از آن بر افکار و اندیشه‌های ملت‌ها ممانعت کنند و از اسلام و انقلاب اسلامی تصویری دهشتناک به جهان ارائه دهند.

۱. بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، نویددهنده دورانی جدید با ارزش‌ها، ملاک‌ها و فرهنگ متفاوت در عرصه سیاست خارجی بود. یکی از ثمرات مهم انقلاب اسلامی علاوه بر نفی استکبار و ابرقدرت‌ها، حمایت از مظلومان جهان و تلاش برای صدور انقلاب در قالب فرهنگ و اندیشه اسلامی بود. در سایه همین تفکر، فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی به‌عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ جهان و تلفیق فرهنگ ایرانی با اندیشه اسلامی که عمده‌تأ در مفاهیم شیعی متبلور است، به جهان معرفی شد و دیپلماسی فرهنگی کشور بر اساس همین محورها در دستور کار قرار گرفت. اقبال جهان اسلام و به‌ویژه توجه مردم ستم‌دیده به دیپلماسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، زنگ خطر را برای سران کشورهای مرتجع عربی، آمریکا و گروه‌های سلفی و تکفیری به صدا در آورد. از این رو، مقابله با بسط و پیشرفت جهانی ندای انقلاب اسلامی که مبتنی بر اسلام ناب بود، در دستور کار قرار گرفت و آن را با پروژه‌ای به نام «اسلام‌هراسی» پیوند زدند تا تصویری ناشایست و خلاف واقع، از اسلام نزد افکار عمومی به‌ویژه در غرب به نمایش بگذارند. در این میان، یکی از عرصه‌هایی که ظرفیت‌های لازم و بنیادین برای انتقال مفاهیم انقلاب اسلامی و مقابله با اسلام‌هراسی دارد؛ «دیپلماسی فرهنگی»^۱ است که اگر از مدیریت لازم برخوردار باشد، می‌تواند با تکیه بر حکمت نظری و عملی اسلام، ضمن جریان‌سازی فکری و ارزشی، پویایی تمدن اسلامی را براساس پیوند عقلانیت و معنویت به‌تدریج متجلی سازد و موفقیت‌های هر چه بیشتری را برای جمهوری اسلامی ایران رقم بزند و بر اقتدار همه‌جانبه نظام نیز بیفزاید.

دیپلماسی فرهنگی با استفاده از عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی مانند ایده‌ها، ارزش‌ها، هنر، زبان و ادبیات بر افکار عمومی سایر کشورها تأثیر می‌گذارد. در این زمینه، استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای افزایش اعتبار و گسترش نفوذ انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی نیز از ضرورت بالایی برخوردار است. این در حالی است که با وجود موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برخی از کشورهای منطقه، روند فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور آن‌چنان منسجم و متحد نیست و این عرصه دچار ذوق و سلیقه مجریان دولت‌ها شده است

و نهادها و متولیان این عرصه فاقد هماهنگی و هم سویی لازم هستند. در حقیقت، بین سازوکارهای کنونی دیپلماسی فرهنگی و توان، ظرفیت و قدرت فرهنگی تناسب وجود ندارد. در حال حاضر، دستگاه‌ها و نهادهای متعددی در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فعال هستند؛ ولی نقش‌ها به گونه‌ای تفکیک و روشن نشده است که اولاً، تداخل، تعارض، پراکنده کاری و گسست وجود نداشته باشد و ثانیاً انسجام و جامعیت ساختاری و اجرایی بین آنها برقرار باشد. از سوی دیگر، بررسی‌ها، در حوزه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در این باره نیز محدود و غیرهدفمند بوده است و اساساً دانشگاهیان و مراکز علمی، پژوهشی و اجرایی کشور به صورت نظام‌مند این موضوع را در راستای دستیابی به الگویی کارآمد، مورد مذاقه و کنکاش قرار نداده‌اند. الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای باشد که در آن نه تنها از اصول، ارزش‌ها و استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران کم نشود؛ بلکه روحیه استکبارستیزی، مقاومت و نفی سلطه به فرهنگ سایر ملل متبادر و تصویری واقع‌بینانه از مبانی دینی و فرهنگی اسلام ناب به مردم دنیا ارائه شود. امروزه برای ادراک‌سازی و تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در افکار و رفتار ملت‌ها و همچنین مبارزه با استکبار جهانی و به خصوص در مواجهه با پروژه اسلام‌هراسی، جمهوری اسلامی ایران نیز باید از ظرفیت قدرتمند دیپلماسی فرهنگی استفاده کند که این امر مستلزم شناخت و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی آن، به منظور ارائه الگویی روزآمد و کارآمد است که در این پژوهش تلاش می‌شود تا این ابعاد و مؤلفه‌ها تبیین و الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران طراحی شود.

۲. پیشینه تحقیق

با مطرح شدن موضوع «دیپلماسی فرهنگی» تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی نیز در این حوزه صورت گرفت. بعد از انقلاب اسلامی ایران که انقلابی فرهنگی بود، نیز پژوهش‌هایی درباره دیپلماسی فرهنگی انجام شده است که در ادامه، به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود. کتاب *دیپلماسی فرهنگی* نوشته سیدرضا صالحی‌امیری و سعید محمدی است. مفروض اصلی این کتاب بر این پایه قرار دارد که از میان عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در سیاست خارجی کشورها، هیچ کدام به اندازه عامل فرهنگی پایدار و تأثیرگذار نیست. به اعتقاد نویسندگان کتاب، اهداف و منافع ملی

می‌توانند با به‌کارگیری سرمایه‌های فرهنگی به بزرگ‌ترین ظرفیت و فرصت ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شوند (صالحی‌امیری و محمدی، ۱۳۸۹). آقایان محمدرضا دهشیری، سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و بهنام سرخیل کتابی را با نام *جایگاه تکافل و رفتارهای حمایت‌گرانه در دیپلماسی فرهنگی* در چهار محور کلی شامل مبانی مفهومی و نظری رفتارهای حمایت‌گرانه در دیپلماسی فرهنگی، کارکردهای رفتارهای حمایت‌گرانه در دیپلماسی فرهنگی، تجربه‌های جهانی کاربرد رفتارهای حمایت‌گرانه در دیپلماسی فرهنگی تدوین، تنظیم و ارائه کرده‌اند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲). آقایان آرمین امینی و سهراب انعامی علمداری نیز مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی» ارائه کرده‌اند. در این مقاله این نتیجه حاصل شده است که جهانی‌شدن فرهنگ با توجه به بهره‌گیری آن از انقلاب اطلاعاتی و جهان‌شبهه‌ای، موجب شده است تا دیپلماسی سنتی به‌عنوان ابزار سیاست خارجی برای تأمین منافع ملی کشورها به دیپلماسی فرهنگی تحول یابد (امینی و علمداری، ۱۳۹۱: ۴۱۲-۳۹۳). جلال درخشه و مصطفی غفاری به بررسی «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام؛ فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها» پرداخته‌اند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۴۵-۹). زهرا خرازی نیز مقاله‌ای را با نام «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها» به چاپ رسانده که در آن ضمن بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در میان انواع دیپلماسی نوین، به بررسی مدیریت دیپلماسی فرهنگی در کشورهای مختلف به‌منظور تأمین منافع ملی پرداخته شده است (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۲۲-۱۰۷). آقای محمدمسعود صادقی کتابی را با عنوان *مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران* به چاپ رسانده‌اند. در این کتاب تأکید اصلی نگارنده بر مؤلفه‌ها و مصنوعات فرهنگ بوده است (صادقی، ۱۳۹۳).

در پژوهش‌های گفته‌شده هرچند به دیپلماسی فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن در حوزه سیاست خارجی دولت‌ها پرداخته شده؛ اما صراحت و عمیق ابعاد و مؤلفه‌های ارزشی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران شناسانده نشده است. لذا در این پژوهش، ضمن بهره‌گیری از تلاش‌های انجام‌شده؛ سعی می‌شود ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که می‌توانند بستری برای مواجهه و مقابله با موج اسلام‌هراسی غرب باشند؛ احصا و مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۳. هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش «شناسایی و بررسی ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی غرب» است.

۴. سؤال تحقیق

ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی غرب کدام‌اند؟

۵. اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل، اهمیت و اولویت خاصی یافته است و نیاز به استفاده از این پدیده به عنوان راه‌حلی بنیادین در میان دولت‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. در واقع، تولید ادبیات نظری در حوزه دیپلماسی فرهنگی می‌تواند امکان و زمینه ظهور ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فرهنگی را در حوزه سیاست خارجی فراهم کند. در تحقیقات و پژوهش‌های صورت‌گرفته نقش ابعاد و مؤلفه دیپلماسی فرهنگی در مواجهه با اسلام‌هراسی تا حدود زیادی مغفول باقی مانده و بیشتر به دیپلماسی سنتی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای و سایر ابزارهای مربوطه پرداخته شده است. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود ضمن واکاوی تحقیقات انجام‌شده، کمبودها، خلأها و محورهای مطالعاتی و پژوهشی مورد نیاز در این حوزه نیز شناسایی و ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی احصا شود. این تحقیق همچنین می‌تواند تا حدود زیادی ادبیات لازم در این زمینه را برای استفاده متصدیان سیاست خارجی کشور در راستای گسترش دامنه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در بین سایر ملل، در مواجهه با اسلام‌هراسی فراهم کند.

۶. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع «کاربردی» و به لحاظ روش از نوع «تحقیقات توصیفی - تحلیلی» است. روش جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از «منابع کتابخانه‌ای»

است. البته به منظور بررسی روایی و اعتبارسنجی الگوی طراحی شده در این پژوهش و ارزیابی اثربخشی آن بر اسلام‌هراسی از تکنیک دلفی و آزمون دو جمله‌ای طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت استفاده شد که یکی از روش‌های توافق‌محور مبتنی بر دیدگاه متخصصان و خبرگان است. تکنیک دلفی بر این امر استوار است که استفاده از دانش و دیدگاه تخصصی و نظرسنجی گروهی از خبرگان در تصمیم‌گیری پیرامون مسائلی که ماهیت کیفی دارند، بسیار راه‌گشا است (حبیبی و دیگران، ۲۰۱۴: ۸-۶). در همین راستا در پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و اجزای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در گام اول، مبتنی بر بهره‌گیری از متون و مقالات تخصصی انتشار یافته بود. در گام دوم، برای تکمیل و ارزیابی اطلاعات با نخبگان به هفده نفر از نخبگان و فعالان عرصه دیپلماسی فرهنگی براساس نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای رجوع شد.

۷. مفاهیم تحقیق

الف) فرهنگ

مفهوم فرهنگ یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسان‌هاست که گستره وسیع آن از یک‌سو، و ابعاد ذهنی و غیر عینی آن از سوی دیگر پیچیدگی‌های خاصی به آن داده است. گستردگی مفهوم یا قدرت تبیین‌کنندگی فرهنگ و تنوع و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن باعث شده تا تعاریف گوناگونی از آن ارائه شود. برخی معتقدند فرهنگ مجموعه‌ای سازمان‌یافته از هنجارها، ارزش‌ها و قواعد است. گی روشه^۱ فرهنگ را عبارت از مجموعه‌ای به هم پیوسته از اندیشه‌ها، احساسات و اعمال کم‌و بیش صریحی توصیف می‌کند که به وسیله اکثر افراد گروه پذیرفته شده است و برای اینکه افراد، گروه معین و مشخصی را به وجود آورند، لازم است که آن مجموعه به هم پیوسته به نحوی مراعات شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۶). کمیته برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و هنر دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در اولین برنامه پنج‌ساله خود، فرهنگ را «کلیت به هم تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و اعمال افراد جامعه» تعریف کرده است (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۲۲).

1. Guy Rocher

ب) دیپلماسی فرهنگی

- تعریف مفهومی

در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تعاریف متعددی برای دیپلماسی فرهنگی آمده است. «فرانک نینکوویچ» دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی براساس ارزش‌های مشترک می‌داند (نینکوویچ، ۱۹۹۶: ۱۲). «گیفورد دالون» نیز دیپلماسی فرهنگی را معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آنها می‌داند (دالون، ۱۹۹۸: ۱۲). در نظر «میلتون سی. کامینگز» نیز دیپلماسی فرهنگی مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، سبک زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات برای دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورهاست (کامینگز، ۲۰۰۳: ۱). منظور از دیپلماسی فرهنگی، فرایندی است که از طریق آن دولت‌ها می‌توانند با توسل به ظرفیت‌ها، امکانات، توانمندی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خود بر افکار عمومی و رفتار سایر کشورها اثر بگذارند (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۱).

- تعریف عملیاتی

برای عملیاتی کردن دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ابعاد سه‌گانه مستخرج از مطالعات کتابخانه‌ای و مؤلفه‌های احصاشده آن از طریق فرم پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تا میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌های ذکر شده روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (بسیار زیاد: ۵، زیاد: ۴، متوسط: ۳، کم: ۲ و خیلی کم: ۱) ثبت کنند. برای این امر به ۱۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران ناهمگن در عرصه فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی مراجعه شد. پس از گردآوری داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای طیف لیکرت برای ارزیابی داده‌ها و تعیین اعتبار الگو، ابعاد و گویه‌های آن استفاده شد.

ج) اسلام‌هراسی

- تعریف مفهومی

اسلام‌هراسی، ترسی واهی در میان سیاست‌مداران و مردم عادی است مبنی بر اینکه دنیای اسلام به طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به طور خاص منشأ تهدیدها و خطراتی برای مردم، فرهنگ و تمدن غرب تلقی می‌شوند. به طور کلی، اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که «اسلام هیچ اشتراکی با سایر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد و دینی خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه نازل‌تری قرار دارد. بر این اساس مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند» (سیدامامی و فائق، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۱).

- تعریف عملیاتی

اسلام‌هراسی از نظر مفهوم عملیاتی، پدیده‌ای مبهم و دوگانه است. در واقع، این پدیده بنیان نظری واحد و مشخصی ندارد و اسلام‌هراسان در کشورهای مختلف، تصورات یکسانی از اسلام و مسلمانان ندارند. برخی انگیزه نژادی دارند و از مسلمانان به این دلیل که از نژادی متفاوت هستند نفرت دارند؛ برخی اسلام را دینی ضد مدرنیته و ضد پیشرفت تلقی می‌کنند و برخی دیگر مسلمانان را خرافه‌گرا و برخی دیگر آنها را خشونت‌طلب محسوب می‌کنند (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۳). براساس نظر کارشناسان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی آثار اسلام‌هراسی و دامنه‌فزاینده آن را تحدید کند. در این تحقیق، میزان اثرگذاری و دامنه نفوذ گویه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی بر کاهش ترس و واهمه از اسلام و همچنین معرفی فرهنگ اسلام ناب در پرسشنامه‌ای مطرح و به ۱۵ کارشناس و فعال دینی و فرهنگی ارائه و نظرات موافق و مخالف آنان اخذ شد.

۸. چارچوب نظری تحقیق

دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم محسوب می‌شود و توانایی زیادی در تنظیم قدرت، دستیابی به اهداف بازیگران، تأمین منافع و سازگاری میان آنها و مدیریت افکار

عمومی دارد. به باور بسیاری از نظریه پردازان روابط بین الملل، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلای اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می دهد که در طرف مقابل نفوذ کنند و او را از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده ها ترغیب به همکاری کنند (موسوی جشنی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). مقوله «قدرت نرم» برای نخستین بار در چارچوب نظریه ای مستقل توسط «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ در کتابی با نام ملزم به رهبری: ماهیت متغیر قدرت آمریکا درباره بازیابی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح و عنوان شد: «قدرت نرم توانایی کسب آن چیزی است که ما می خواهیم؛ آن هم از طریق جذب، نه اجبار». نشریه سیاست خارجی اولین نشریه آمریکایی بود که دیدگاه نای درباره با مفهوم قدرت نرم و اینکه قدرت نرم یک قدرت فرهنگی است را به کار برد (نای، ۲۰۱۱: ۶۵-۵۹).

نای معتقد است که به طور کلی از سه طریق می توان به خواسته های خود دست یافت: تهدید و اجبار، پرداخت هزینه و پاداش و یا ایجاد جذابیت. راه سوم یعنی ایجاد جذابیت در واقع، همان «قدرت نرم» است. بنابراین، «قدرت نرم توانایی شکل و یا تغییر دادن ترجیح ها و اولویت های دیگران از طریق جذابیت است».

جدول ۱. طیف قدرت از سخت تا نرم (نای، ۲۰۱۱: ۴۷)

قدرت نرم	قدرت سخت	
تنظیم دستور کار جذابیت همکاری	فرمان اجبار انگیزه	طیف رفتار ←
ارزش ها مؤسسات فرهنگ سیاست ها	تحریم زور رشوه پرداخت پول	محتمل ترین منابع

قدرت نرم نیز مانند سایر اشکال قدرت، برای پنداری از برخی منابع است. جوزف نای معتقد است که قدرت نرم هر کشور تا حد زیادی ریشه در سه منبع بنیادین دارد:

۱. فرهنگ (در نقاطی که برای دیگران نیز جذاب و گیرا باشد)؛
۲. ارزش های سیاسی (چنانچه خود در درون و برون به آنها وفادار باشند)؛

۳. سیاست خارجی (چنانچه دیگران آن را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند) (نای، ۲۰۱۱: ۶۶).

بنابراین، از آنجا که نظریه قدرت نرم جوزف نای مبتنی بر استفاده از منابعی همچون «فرهنگ»، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی» بوده و یکی از ارکان اصلی آن توجه به ساختارها و بنیان‌های فرهنگی و ارزشی به شکلی جذاب، در کنار عناصر مادی است؛ لذا با بهره‌گیری از این رویکرد نظری می‌توان به طراحی الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در واقع، انتخاب «نظریه قدرت نرم» به عنوان چارچوب نظری این پژوهش از آن روست که مدلول این نظریه، ناظر بر حائز اهمیت بودن ساختارهای نرم‌افزاری فرهنگ، نظام ارزشی و باورهاست.

۹. ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به اقتضای اهداف جهان‌شمول انقلاب اسلامی، ملت‌ها و توده‌های مردم سایر کشورها را به عنوان مخاطبان اصلی خود برگزیده و ایجاد ارتباط با ملت‌ها برای آگاهی‌بخشی انقلابی به آنان را در اولویت سیاست خود قرار داده است. بر همین اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اصولی ثابت و پایدار استوار است که در عرصه بین‌المللی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی قرار می‌گیرد. این اصول عبارت‌اند از:

۱. نفی سلطه و سلطه‌پذیری (اصل ۱۵۲ قانون اساسی)؛
۲. حمایت و دفاع از مسلمانان (اصل ۳ قانون اساسی)؛
۳. حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش (اصل ۱۵۴ قانون اساسی)؛
۴. حراست از استقلال و تمامیت ارضی (اصل ۱۵۳ قانون اساسی)؛
۵. عدم مداخله در امور داخلی کشورها (اصل ۱۵۴ قانون اساسی)؛
۶. روابط صلح‌آمیز متقابل (اصل ۱۵۲)؛
۷. پایبندی به قراردادهای و قوانین بین‌المللی (مبتنی بر بنیاد نظری وفای به عهد در اسلام) (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۸).

اگرچه مفهوم دیپلماسی فرهنگی از جمله مفاهیمی است که اخیراً در کشور ما مصطلح و

رایج شده است، اما نگاهی به تاریخ چهل ساله حیات نظام جمهوری اسلامی ایران تلاش‌هایی را ترسیم می‌سازد که در قرابت با این مفهوم و کارویژه‌های آن قرار دارد که از آن جمله می‌توان به نظریه «صدور انقلاب» اشاره کرد که نه تنها مسئولیتی برای دولت‌ها و نمایندگان رسمی کشور تلقی می‌شود؛ بلکه آحاد مردم نیز در قبال آن مسئول هستند و در واقع، سعی و تلاش انقلابیون با هدف تبدیل پیام‌ها و رسالت بالقوه انقلاب به حالت بالفعل است (خلیلی و حمیدی، ۱۳۹۰: ۹۳). صدور انقلاب اسلامی بیشترین قرابت مفهومی و نظری را با دیپلماسی فرهنگی داشته است و به معنای تشریح و ترویج جذاب‌گونه اهداف، آرمان‌ها و آموزه‌ها و گفتمان فرهنگی انقلاب اسلامی به مردمان و ملل مشتاق است (مسعودنیا و قربانی، ۱۳۹۳: ۱۲). بر این اساس شالوده و جوهر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی را نظریه صدور انقلاب شکل می‌دهد که الهام گرفته از اصل دعوت در آموزه‌های اسلام است و در مجموعه اهداف سیاست خارجی ایران نیز بازتاب یافته است. همچنین رویکرد عمده در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان مبتنی بر «رهیافت تعاملی فرهنگی و تمدنی» دانست که در آن مسائل فرهنگی در مقایسه با مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار و بر این پایه استوار است که اساس تمدن نوین اسلامی را قدرت نرم تشکیل می‌دهد (واعظی، ۱۳۸۹: ۵۶).

۱۰. کاربست منابع قدرت نرم در ابعاد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

بخش عمده از عوامل تولیدکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی معطوف به خرده‌فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی ملی و دینی است. از آنجا که فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، از مهم‌ترین منابع قدرت نرم تلقی می‌شوند، می‌توان جایگاه و موقعیت قدرت نرم یک کشور را با توجه به میزان توانمندی‌ها و جذابیت‌های انگاره‌های فرهنگی و ارزشی و همچنین مطلوبیت سیاست خارجی آن مورد سنجش و ارزیابی قرار داد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۰۶). در دهه‌های اخیر، رهیافت نرم‌افزاری قدرت به یکی از بدیل‌های کاربست قدرت در سطح بین‌الملل تبدیل شده است و جمهوری اسلامی نیز برای رسیدن به اهداف مدنظر نیازمند بهره‌گیری از منابع قدرت نرم است. بنابراین، ابعاد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان با الگو قرار دادن تقسیم‌بندی سه‌گانه منابع قدرت نرم توسط

جوزف نای در سه بُعد مشتمل بر «فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی، ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی و سیاست خارجی» تقسیم‌بندی کرد.

الف) فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی

در مباحث مربوط به تاریخ تمدن‌ها، «فرهنگ و تمدن اسلامی» جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام نه تنها به‌عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی حائز سهمی شاخص در تحولات تاریخ بشری است، بلکه به‌واسطه نگاه ویژه به اجتماع و سیاست که حاصل آن ظهور تمدن و فرهنگی مختص به خود بوده، نیز حضوری پررنگ‌تر در عرصه تاریخ جهان یافته است؛ به‌گونه‌ای که شناخت تاریخ تمدن جهانی بدون عنایت ویژه به تاریخ تمدن اسلامی تقریباً ناممکن است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۹). اصولاً، در نظام فرهنگی اسلام، دین عنصری در کنار سایر عناصر نیست؛ بلکه محور و اساس فرهنگ اسلامی است و تجلی آن در تمامی مظاهر فرهنگ و تمدن، از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم قابل مشاهده است. اسلام دینی جهانی است و جهانی می‌اندیشد و مقیاس‌های آن کلی و انسانی است و قومی، نژادی و ملی نیست. علت گرایش سایر ملل به اسلام نیز به همین ویژگی بازمی‌گردد. نمونه ممتاز این گرایش، ایرانیان هستند که به‌واسطه نزدیکی

جهان‌بینی اسلام با جهان‌بینی اشرافی ایران باستان، به سرعت جذب این آیین توحیدی شدند (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۴). در واقع، فرهنگ ایرانی براساس فرهنگ اسلامی بازمهندسی، اصلاح و تکمیل شد و امروزه فرهنگ ایرانی- اسلامی گزاره‌های ارزشی و هنجارهای مشترکی میان ایران و بسیاری از جوامع و مردم در کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای مسلمان پیش رو می‌نهد که زمینه مناسبی را برای درک متقابل و همبستگی و همراهی با جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند. بر مبنای این رویکرد، فرهنگ ایرانی- اسلامی از مؤلفه‌های ارزشی و رفتاری برخوردار است که بهره‌گیری مناسب از آن موجبات نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به سایر کشورها را به دنبال داشته و از این بستر می‌توان پیام‌های جمهوری اسلامی ایران را به کشورها و ملت‌های دیگر رساند. بنابراین، مؤلفه‌های بُعد فرهنگ و تمدن ایرانی- اسلامی را می‌توان به این شرح برشمرد:

- توحید محوری

اگر هسته بنیادین هر فرهنگی نظام معنایی آن در نظر گرفته شود، با توجه به آموزه‌های دینی، «توحید» روح و بنیان نظام معنایی فرهنگ اسلامی خواهد بود. اگر هدف نهایی دین تحقق توحید در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان باشد، فرهنگ مطلوب فرهنگی است که اعضای جامعه در تمام ابعاد، ملتزم به قواعد و جهان‌بینی توحیدی باشند. هرچه شئون زندگی انسان بیشتر رنگ الهی یا به تعبیر قرآنی، «صبغه‌الله» داشته باشد، آن فرهنگ و جامعه دینی‌تر و اسلامی‌تر خواهد بود؛ زیرا ارتباطات به‌مثابه قلبی تپنده معانی دینی و به‌ویژه معارف توحیدی را در یک جامعه و بین اعضای آن بازتولید می‌کند (حرعاملی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸). پیامبر اسلام (ص) در دیپلماسی اسلامی خود در قالب توحید و اعتقاد دینی نوعی آزاداندیشی، حکومت عقل، مشورت، خردجمعی، احترام به انسان‌ها به خصوص زنان، عدالت و کاهش فاصله طبقاتی و تفکرات بالقوه انتقادی را به همراه داشت و به همین علت، متن دیپلماسی اسلامی دارای قدرت نرم و جاذبه بسیار شدیدی بود که اشراف‌سالاری، کاست‌گرایی و به ویژه استبداد فکری و سیاسی آن روزگار در برابرش تسلیم می‌شدند. دیپلماسی اسلامی بعدها در رفتار بسیار عادلانه و خردمند امام علی (ع) نیز پیاده شد. ایشان سعی کرد پیام بسیار پیشرفته و انسانی اسلام را مبتنی بر ایجاد جامعه توحیدی، عقلانی و آزاد با توسل به خرد جمعی و مشورت به همه جا برساند (اسلامی و ذوالفقاریان، ۱۳۹۰: ۹۶۰). بنابراین در نگاه دینی، توحید به‌مثابه نظام معنایی فرهنگ اسلامی و روح کلی حاکم بر فرهنگ اسلامی، از طریق اصول و ارزش‌ها در احکام و آداب اجتماعی اشراف می‌شود. توحید تنها یک نگرش و بینش فلسفی و ذهنی نیست که فقط به دنبال آموزش و سامان‌دهی اندوخته‌های ذهنی باشد؛ بلکه توحید رفتار و اعمال فردی و اجتماعی و روابط انسان با دیگران را نیز اصلاح می‌کند و آنها را سامان و جهت می‌دهد (حاجی‌صادقی، ۱۳۸۵: ۳۶). حضرت امام خمینی (ره) درباره حکومت اسلامی می‌فرماید: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده‌ای الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود می‌رساند و مکتبی است که برخلاف مکاتب غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی

نقش دارد، فروگذار نکرده است و...» (امام خمینی: ۱۳۷۱: ۳۱). چنین امری نشانگر آن است که در نظام اسلامی، اصلی‌ترین وظیفه و کارکرد دیپلماسی فرهنگی اصلاح توحیدی و فرهنگی مردم و تهذیب آنها در سطوح ملی و جهانی است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

- فرهنگ شیعی

در طول ۱۴ قرن گذشته تشیع به صورت نشان ملی و هویت فرهنگی ایرانیان درآمد و به خوبی با اندیشه‌های اصیل ایرانی و گاه با اسطوره‌های آنها عجین شده و از حالت یک مذهب صرف فراتر رفته است. تشیع به رفتار اجتماعی و سیاسی ایرانیان نیز جهت داد و همه وجوه زندگی آنها را پر کرد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۴-۳۱۳). نقش و نفوذ مذهب شیعه را همچنین می‌توان در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به خوبی مشاهده کرد که تأثیر و نفوذ ایران در این هنگام بر کشورهای مسلمان منطقه و جهان به حدی بود که می‌توان آن را از جمله شواهد مهم در اوج‌گیری نفوذ و اثرگذاری ایران بر افکار عمومی خارجی دانست و حتی برخی از مردم و گروه‌های کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی را الگویی قابل قبول در پیشبرد اهداف اسلامی تلقی می‌کردند. اسلام شیعی مهم‌ترین مبنای هویت جمهوری اسلامی است و تقریباً تمامی خروجی‌های این سیستم برآمده از اسلام را باید با توجه به چنین مهمی ارزیابی کرد. برای درک این موضوع کافی است به مواد و بندهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که بارها به صراحت مذهب شیعه را مبنای هویت نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده است. بنابراین، اسلام شیعی مهم‌ترین عامل ایجابی در تعیین شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی است. به عبارت دیگر، هویت شیعی جمهوری اسلامی بیشترین نقش را در تعریف کشورهای دوست، رقیب، دشمن، برنامه‌های کلان نظامی و دفاعی و همچنین در سبک دفاعی ایفا کرده است که بدون درک آن، نمی‌توان برنامه‌ها و سیاست‌های سیاسی، فرهنگی، دفاعی، نظامی و... جمهوری اسلامی ایران را درباره جوامع شیعی مورد ارزیابی قرار داد (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴). بدیهی است که مؤلفه تشیع و ارتباط ایران با شیعیان جهان از توانمندی‌های اصلی ایران در عرصه دیپلماسی فرهنگی است. با این حال، در این مورد برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران باید به گونه‌ای باشد که موجب برانگیخته شدن احساسات اهل سنت نشود؛

زیرا فرهنگ اسلامی عام شامل مواردی از عقاید و باورها و ارزش‌هایی عام مانند توحید، معاد و... هستند که تمامی فرق و مذاهب اسلامی متفق‌القول به آن معتقدند؛ اما فرهنگ اسلامی شیعی فقط در میان شیعیان رواج دارد و به‌راحتی قابل تسری به سایر مذاهب اسلامی نیست (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). بنابراین، سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران باید همچنان بر محوریت ام‌القری بودن در جهان اسلام مبتنی باشد.

- مهدویت و فرهنگ انتظار

آموزه مهدویت و فرهنگ سیاسی برآمده از آن، نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده است. به‌یقین، تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسئله فرعی به عنصری سیاسی، حماسی و تحول‌آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می‌سازد؛ بلکه رفتارها، کنش‌ها و هنجارهای جدیدی پدید می‌آورد. در نتیجه این «هویت‌سازی» و «هنجارآفرینی» است که نهضت‌های بزرگی برای مبارزه با جهل و نادانی پدید می‌آید. حاصل این نهضت‌ها، بیداری و حرکت‌های سیاسی - اجتماعی ضد استبداد، ستمگری، استعمار و همه‌قید آزادی و آزادگی آدمی است. با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع؛ بلکه به‌مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه‌جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان نامشروع را به دنبال داشته است. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود (عج) به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار و آموزه مهدویت بود و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد. احیای حزب الدعوه عراق، تأسیس مجلس اعلای شیعیان عراق، تشکیل

حزب‌الله لبنان، جبهه اسلامی برای آزادی بحرین، نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان و نهضت اسلامی افغانستان از مصادیق این امر به شمار می‌روند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۹۸). به هر روی، آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار ظهور منجی‌ای که می‌تواند همه دردها را تسکین بخشد و به بی‌عدالتی‌ها خاتمه دهد، از عواملی به شمار می‌آید که می‌تواند دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را به سوی تبلیغ و ترویج مقاومت در برابر ظلم سوق دهد و تأیید آن را در زندگی مسلمانان در قالب فرهنگ جهادی جلوه‌گر کند تا صدور پیام انقلاب، عدم پذیرش بی‌چون و چرای نظام بین‌المللی موجود و حمایت از شیعیان و جنبش‌های رهایی‌بخش در این فرایند مورد توجه ویژه قرار گیرد. بنابراین، در رویکرد و راهبردهای دیپلماسی فرهنگی خصوصاً در مقابله با اسلام‌هراسی باید مهدویت به‌عنوان مؤلفه‌ای اصلی در ساخت بیرونی قدرت نفوذ انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد.

- فرهنگ ایثار و شهادت

فرهنگ شهادت‌طلبی به‌منزله یکی از منابع اصلی قدرت نرم در بین مسلمانان به شمار می‌آید (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹: ۹).

مفاهیمی نظیر جهاد، ایثار، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری همگی ابعاد محتوایی حماسه عاشورا است که به شکل تمام و کمال کارکرد سیاسی یافته‌اند و به تفسیر ایرانیان از وقایع سیاسی داخل و خارج جامعه خود جهت می‌دهند. بدین ترتیب، شهادت بستر مناسبی را برای تقویت روحیه مبارزه و انقلابی‌گری به ویژه علیه نظام‌های سیاسی که از منظر شیعیان ظالمانه تلقی می‌شوند، ایجاد کرده است (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۶۶). در حقیقت، فرهنگ شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عاملی نجات‌بخش و یک راهبرد تلقی می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان داشته و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت به دنبال داشته است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸). جوامع امروز نیز نیازمند گسترش فرهنگ ایثار و شهادت است که باعث بقای اسلام و نظام می‌شود. با این وصف، برای اینکه فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه شکل بگیرد، نیاز به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که از ارزش‌های اسلامی و فرهنگ سیاسی تشیع برگرفته می‌شود. فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه را

می‌توان با محوریت توحید، معاد و عدل ترسیم کرد و نشان داد که این سه محور در جوامع، مؤلفه‌های اسلامی را تزریق می‌کنند که در صورت توجه و پذیرش عمومی آنها، فرهنگی به بار خواهد نشست که نام آن «فرهنگ اینثار و شهادت» است. فرهنگ شهادت و جاذبه و قدرت‌زایی عاشورا به حدی است که الگوگیری از آن محدود به قلمرو جهان تشیع نمانده و امروزه در برخی از کشورهای سنی، از جمله فلسطین نیز فرهنگ شهادت در حال نهادینه شدن است و حتی در خارج از جهان اسلام نیز افرادی از آن الگو گرفته و یا به تعریف و تمجید از آن پرداخته‌اند.

- عدالت گستری

مسئله عدالت از دیرباز جزو مهم‌ترین دغدغه‌های بشر و ادیان الهی بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان تحقق قسط و عدل را از بزرگ‌ترین اهداف بعثت پیامبران و تشریح ادیان الهی به شمار آورد. همچنین عدالت، یکی از ارزش‌های جامعه ایران، پیش از گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام بوده است. گرایش ایرانیان به عدالت با آمدن اسلام و مذهب تشیع جان تازه‌ای گرفت و اصولاً یکی از دلایل گرایش ایرانیان به این مذهب، همین روحیه عدالت‌طلبی آنان بوده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۴۴-۲۲۲). اقامه مردم بر قسط و عدل، یک جریان ملازم با سیاست و اعمال حکومت است و از آیات شریفه و احادیث گهربار نمی‌توان صرفاً ترغیب و توصیه اخلاقی در جهت عدالت را برداشت کرد. خداوند متعال در سوره مائده می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ الْآخَرِ لَوْ أَنَّكُمْ لَأَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از (معصیت) خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است» (مائده / ۸).

حکومت جز با عدالت هویت حقیقی نمی‌یابد و مودت مردمان را کسب نمی‌کند، چنانکه امیر بیان علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر یادآور شده است: «و ان افضل قره عین الولاة و استقامه العدل فی البلاد و ظهور موده الرعیه. و انه لا تظهر مودتهم الا بسلامه صدورهم و لا تصح نصیحتهم الا بحیثیة علی و لاه الامر و قله استقال دولهم و ترک استیطاء انقطاع مدتهم» (نهج البلاغه، نامه

۵۳). آنچه بیشتر دیده‌ و الیان بدان روشن است، برقراری عدالت در شهرها و میان مردمان دوستی‌ پدیدار شدن است و دوستی آنان آشکارا نگردد؛ جز آنگاه که دل ایشان بی‌گزند شود و خیرخواهی‌شان راست نیاید جز آنکه والیان را برای کارهای خود نگاه دارند و دوام حکومت آنان را سنگین‌نشانند و گفت‌وگو از دیر ماندن آنان را بر سر کار، واگذارند.

انقلاب اسلامی نیز که با تأسی به امیر مؤمنان علی(ع) و راه و منش آن حضرت بنیان نهاده شده، مقوله عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری را سرلوحه و بن‌مایه هویت جمهوری اسلامی قرار داده است. حضرت امام خمینی(ره) در مورد هدف غایی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... اسلامی که عدالت‌محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد...» (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۰: ۲۴). عدالت در سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که به‌وسیله امام خمینی(ره) ارائه شد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، در مقام نظامی الهی که سرچشمه و مبنای قدرت و حاکمیت خود را منتسب به خدا می‌داند، برای عدالت نقش مهمی قائل است؛ حتی اگر در عمل، عدالت به‌طور کامل اجرا نشده و یا با کاستی مواجه بوده است؛ اما پایه‌های نظام بر عدالت استوار شده و دست‌کم در اساسی‌ترین نظریه‌ها و قوانین بر آن تأکید شده است. در اصل‌های ۱۰۷، ۴۳، ۲۰، ۱۹، ۶، ۳، ۲ قانون اساسی، بر ارزش‌هایی چون عدالت، برابری و مساوات تأکید شده است (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). البته داعیه جمهوری اسلامی ایران، برقراری عدالت در سطح بین‌الملل است و اهداف خود را فراتر از مرزها جست‌وجو می‌کند؛ یعنی به موازات تلاش برای تحقق خواست‌ها و نیازهای داخلی، درصدد دستیابی و تحقق آرزوهای خود در ورای مرزهای جغرافیایی ایران است. تحقق این عدالت در سطح جهانی و بین‌المللی، تنها از طریق استقرار نظم جهانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است که دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به تحقق این امر سرعت بدهد.

- زبان و ادبیات فارسی

زبان و ادبیات فارسی نقش مهمی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارند. در حوزه جغرافیای فرهنگی ایران، سهم زبان به نسبت سایر عناصر بیشتر است؛ به گونه‌ای که می‌توان

گفت در جغرافیای فرهنگی مشترک، زبان اساسی ترین نقش را در شکل گیری مفهوم هویت ملی برعهده دارد. از همین رو، پرداختن به این مسئله به معنای ورود به عرصه‌ای است که می‌تواند به هویت و به تبع آن به وحدت ملی ارتباط یابد و به آن معنا و مفهوم بدهد. مقام معظم رهبری درباره اهمیت زبان فارسی می‌فرمایند: «زبان فارسی کلمه طیبه‌ای است و اصل ثابتی دارد و انتظار می‌رود که روز به روز پیشرفت کند و جهانیان بتوانند از این زبان استفاده‌های فراوانی را به عمل آورند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶). ایشان همچنین می‌فرمایند: «اکنون زبان فارسی بهترین حامل و رسانه برای معارف، افکار، نوآوری و تمدن عمیق اسلامی محسوب می‌شود و بر این اساس، وظیفه ما در قبال زبان فارسی بسیار سنگین است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲).

زبان فارسی به‌عنوان وجه مشترک برخی کشورهای منطقه نقش عمده‌ای را در پیوستگی سرزمین‌های متعلق به ایران فرهنگی ایفا کرده و بیانگر رویکرد تعاملی فرهنگ ایرانی است. در مجموع، زبان فارسی در کشورهای خاورمیانه بیش از دو میلیون نفر، در آسیا پاسفیک بیش از یک میلیون نفر، در اوراسیای مرکزی ۳۵ میلیون نفر، در اروپا ۳۰۰ هزار نفر، در آفریقا ۱۸ هزار نفر، در امریکای شمالی حدود ۲/۵ میلیون نفر و در امریکای لاتین ۵ هزار نفر سخنور دارد (سمیعی اصفهانی و فتحی مظفری، ۱۳۹۱: ۱۶۱). ادبیات کهن فارسی در حقیقت، نمایانگر هویت ایرانی و آینه فرهنگ و تمدن، اندیشه و آمال و آرمان‌ها و به‌طور کلی جهان‌بینی ملت ایران است، با وجود چهره‌هایی همچون حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی، خیام و... دارای شهرتی جهانی بوده و مورد اقبال شمار زیادی از دوستداران شعر و ادب در جوامع مختلف جهان قرار دارد تا جایی که آثار مشاهیر ادب فارسی به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است و در زمره کتب پرفروش به شمار می‌آیند (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). خوشبختانه اقبالی که به دوره‌های دانش‌افزایی زبان فارسی وجود دارد، بدان اندازه گسترده است که گستره وسیع جغرافیایی را دربر می‌گیرد. اهتمام دستگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی زبان فارسی می‌تواند درک فرهنگی خارجیان از فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی را ارتقا بخشد و موجبات بالندگی و باروری این میراث اصیل فرهنگی را در سراسر جهان فراهم آورد. به هر حال، جاذبه زبان، شعر و ادبیات فارسی می‌تواند مجرای برای تأثیرگذاری در شماری از اقشار فرهیخته، دانشجویان و اهل ادب حتی در جوامع غیرفارسی‌زبان باشد و با هجمه هراس از دین و فرهنگ

اسلامی که توسط غرب در جریان است، مقابله کند.

- رسوم و آیین‌ها

رسوم و آیین‌های برآمده از فرهنگ ایرانی-اسلامی هم در صورت بهره‌مندی از ویژگی جذابیت خارجی می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی و مولد قدرت نرم تلقی شود که بارزترین مصداق در این زمینه «جشن نوروز» و «راهپیمایی اربعین حسینی(ع)» است. جشن نوروز به‌عنوان باستانی‌ترین جشن تمدن بشری ریشه‌ای ایرانی دارد؛ اما در بسیاری از کشورهای جهان گرامی داشته می‌شود. جشن نوروز در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ توسط سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در فهرست میراث فرهنگی غیرملموس بشری به ثبت رسید. یونسکو نوروز را یک سنت فرهنگی و یک جشن باستانی می‌داند که نماد اولین روز بهار و تجدید حیات طبیعت است و موجب تقویت ارزش‌های صلح و همبستگی میان نسل‌ها و درون خانواده‌ها و نیز آشتی و حسن هم‌جواری می‌شود و لذا به تنوع فرهنگی و دوستی میان مردمان جوامع مختلف یاری می‌رساند (یونسکو، ۲۰۱۱). همچنین مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۰ می ۲۰۱۰ به پیشنهاد کشور آذربایجان، با تصویب قطعنامه‌ای ۲۱ مارس هر سال را به‌عنوان روز بین‌المللی نوروز تصویب و اعلام کرد. سازمان ملل کشورهایی از قبیل جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، آلبانی، آذربایجان، مقدونیه، هند، قزاقستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ترکیه را در زمره برگزارکنندگان جشن نوروز قرار می‌دهد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۰). در قطعنامه شماره ۲۵۳ مصوب مجمع عمومی در سال ۲۰۱۰، به نوروز و اهمیت آن پرداخته شده است. به هر حال، جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت نوروز و نقش آن در ارتقای وجهه منطقه‌ای و جهانی کشور، از سال ۱۳۸۹ پیشگام برگزاری جشن‌های جهانی نوروز شد. اولین و دومین این جشن‌ها به میزبانی تهران در ۷ فروردین ۸۹ و ۷ فروردین ۱۳۹۰ برگزار شد (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۶). دوره سوم و چهارم این جشن‌ها نیز به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در تاجیکستان و ترکمنستان به اجرا درآمد. اقدام خوب دولت مردان ایرانی در راه‌اندازی جشن‌های جهانی نوروز که «دیپلماسی نوروزی» نام گرفته است، مصداق خوبی از استحصال منابع قدرت نرم فرهنگی ایران و کاربست آن برای پیشبرد اهداف و منافع کشور از طریق دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌آید.

یکی دیگر از مراسمات که با آیین مذهبی و رنگ و بوی فرهنگ ایرانی-اسلامی در

سال‌های اخیر جهانیان را شگفت‌زده کرده است، برگزاری «مراسم اربعین حسینی (ع)» می‌باشد که از آن می‌توان به «دیپلماسی اربعین» تعبیر کرد. پیاده‌روی اربعین به یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات شیعیان و محبان اهل بیت (ع) تبدیل شده است. اهمیت این حرکت خودجوش و مردمی در شرایطی قابل توجه است که درست در برهه‌ای از زمان آغاز شد که قرائت‌های جعلی از اسلام و به‌ویژه مذهب شیعه توسط غرب و رسانه‌های وابسته به آن به جهان ارائه می‌شد. از سویی، این راهپیمایی خودجوش که هر سال بر دامنه آن افزوده و حضور پیروان سایر مذاهب و ادیان در کنار مسلمانان نیز در آن مشاهده می‌شود، را می‌توان نمایانگر یکپارچگی عدالت‌خواهان جهان فارغ از هر دین و مذهبی دانست. نظام سلطه از الگوسازی و الگودهی راهپیمایی بزرگ اربعین حسینی به خوبی آگاهی دارد و به هر نحو ممکن برای تحریف واقعیات و انحراف نگاه افکار عمومی جهان به این پدیده بزرگ قرن معاصر تقلا می‌کند. واقعیت این است که از ابتدای قرن جدید، رهبران غربی و در رأس آنها آمریکا با هدف جلوگیری از رشد و گسترش اسلام در جهان معاصر برای ارائه تصویری خشن و ترسناک از اسلام و مسلمان به شدت در تلاش است که خلق گروهک‌های تروریستی از جمله داعش را در همین پروسه تعریف کند. از این رو، راهپیمایی اربعین حسینی فرصتی برای ارائه چهره واقعی اسلام و روحیه همدلی و همراهی مسلمانان است. مهمان‌نوازی، از خودگذشتگی و تکریم میهمان در کنار همکاری مردم با نیروهای امنیتی برای تأمین آرامش و امنیت این حرکت بزرگ، می‌تواند تصاویر ارائه‌شده بنگاه‌های تبلیغاتی نظام سلطه از اسلام را تغییر دهد. در حقیقت، راهپیمایی اربعین قوی‌ترین رسانه بشری برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان در دامن زدن به اسلام‌هراسی است.

- آثار و محصولات هنری و فرهنگی

هنر به‌عنوان زبان بین‌المللی، ابزاری مناسب برای اعمال دیپلماسی فرهنگی و تبیین مفاهیم اسلامی است. هنر اسلامی با توجه به برخورداری از ویژگی‌هایی چون جذابیت، تفکربرانگیزی، ماندگاری و قابل فهم بودن برای همگان و اثرگذاری بر درک و ذهنیت سایر ملت‌ها می‌تواند در دو عرصه مفهوم‌سازی و تصویرسازی موجب کارآمدی دیپلماسی فرهنگی در تحدید اسلام‌هراسی شود (ستوده‌آرانی و علویان، ۱۳۹۱: ۱۶۹). مقام معظم رهبری درباره نقش و اهمیت هنر می‌فرماید:

«یکی از نکاتی که باید در مواجهه با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عامل و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. اینها از هنر حداکثر استفاده را کرده‌اند برای ترویج این فرهنگ غلط و منحط و هویت‌ساز؛ به‌خصوص از هنرهای نمایشی، به‌خصوص از سینما حداکثر استفاده را کرده‌اند... باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه با تمدن غرب است، به‌صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بخش عظیمی از مباحث مربوط به اسلام‌هراسی و ترویج آن از سوی امریکا مرهون وجود آثار سینمایی تولید هالیوود است. جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه ظرفیت‌هایی دارد که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب می‌تواند در راستای بالا بردن قدرت نرم آن به کار گرفته شوند. بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی توانسته‌اند با جذب مخاطبان پرشماری در کشورهای همسایه به موفقیت‌های بزرگی دست یابند. برای مثال می‌توان به استقبال مردم افغانستان، تاجیکستان، ترکیه و عراق از پخش مجموعه‌های تلویزیونی ایرانی مانند اصحاب کهف، ابن سینا، مریم مقدس، یوسف پیامبر، رستگاران، صاحب‌دلان و ... اشاره کرد. همچنین سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهش قابل توجهی داشته و خود را در سطح جهانی مطرح کرده است. صنایع دستی ایرانی (فرش، سفال، منبت‌کاری، و...) را غالب جهانیان می‌شناسند. موسیقی اصیل ایرانی نیز از آوازه‌ای جهانی برخوردار است. در مجموع می‌توان گفت هنرهای ملموس و غیرملموس ایرانی - اسلامی از آنجا که هم در نظر مخاطبان خارجی در جوامع مختلف جاذبه‌های فراوان دارند و هم نمایانگر هویت و پیشینه تاریخی ملت ایران و حامل پیام‌های فرهنگی آن هستند؛ قادرند در بستر دیپلماسی فرهنگی و در راستای به‌فعلیت رساندن قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی غرب، نقش ویژه‌ای ایفا کنند.

- اماکن مذهبی و گردشگری

کشور ایران به‌عنوان میراث‌دار یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری، گنجینه‌ای از آثار باستانی و تاریخی را در خود جای داده که یادآور سابقه طولانی فرهنگی و تمدنی ایرانیان است. آثار برجای مانده در ایران که قدمتی بیش از ۶ هزارساله دارد، باعث شده ایران به یکی از

کانون‌های شکل‌گیری تمدن بشری تبدیل شود که بقایای به‌جا مانده از آتشکده‌ها، ارگ‌ها، تپه‌ها، کتیبه‌ها خود گواه بر این ادعاست. این در حالی است که با ورود اسلام به ایران فرهنگ و تمدن ایرانی بر مدار دین مبین اسلام و فرهنگ نشأت گرفته از آن بازمهندسی شد که وجود اماکن مقدس دینی و مذهبی پویایی نگرش و اندیشه دینی و مذهبی را در ادوار مختلف تاریخ به دنبال داشته است؛ به گونه‌ای که در حال حاضر با توجه به وجود اعتقادات عمیق و ریشه‌دار مذهبی خصوصاً در بین شیعیان و محبان اهل‌بیت(ع) زیارتگاه‌های ایران همواره شاهد حضور مشتاقان بسیاری از عراق، لبنان، هند، پاکستان، آذربایجان، افغانستان و... است و بارگاه مطهر امام رضا(ع) در مشهد مقدس در کانون توجه قرار دارد. البته کارکرد اماکن مذهبی منحصر به برگزاری مراسم و مناسک دینی و مذهبی و یا حتی اجتماعات گسترده با انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی نیست؛ بلکه آن را می‌توان مجموعه‌ای از عناصر و باورهای متداول و حتی پنهان‌شده در لایه‌های زیرین فکری و فرهنگی هر جامعه دانست (الویری و قرائتی، ۱۳۹۲: ۲). به هر حال، اماکن و آثار باستانی و مذهبی موجود در ایران، تاریخ مجسم ایران اسلامی و بیانگر پیشرفت تمدن ایرانی - اسلامی هستند. این ظرفیت یکی از راه‌های انتقال فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی به مردمان سایر کشورها به شمار می‌روند و صیانت از اصالت، هویت اسلامی و تمدن دینی را به دنبال خواهد داشت (الویری و قرائتی، ۱۳۹۲: ۱۷). زائرین اماکن مذهبی همچون بارگاه ملکوتی ثامن‌الحجج(ع) در مشهد و حضرت معصومه(س) در قم، مسجد جمکران، شاه‌چراغ و همچنین بازدیدکنندگان از آثار ایران باستان در شیراز، اصفهان، کرمانشاه، همدان و... در بازگشت به کشور مبدأ می‌توانند در راستای اصلاح تصویر ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی و ارتقای وجهه آن نزد مردمان کشور خود، اقدام کنند.

ب) بُعد ارزش‌های سیاسی

انقلاب اسلامی به دلیل روح دینی و ظلم‌ستیزی و حمایت از محرومان جامعه و به‌خصوص مبارزه با قدرت‌های شیطانی منحصر به فرد است. این انقلاب مورد توجه و حمایت و استقبال اندیشمندان و انقلابیون جهان قرار گرفت و تجلیل از آن در اندیشه‌های کلامی و شعری بسیاری بروز و ظهور داشت و باعث شناخت مجدد اسلام در جهان معاصر شد. ابراز عشق و علاقه قلبی میلیون‌ها نفر از انسان‌های آزاده و حق‌طلب جهان نسبت به امام(ره) و انقلاب اسلامی که نظیر آن

در تاریخ هیچ انقلابی دیده نشده است، نشان از تأثیر عمیق افکار و اندیشه انقلاب در عمق جان و روح مردم جهان دارد. این انقلاب دستاوردهای گران‌بهایی را در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ارمغان آورده که اثرگذاری فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار است (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۹). به‌طور کلی می‌توان گفت که این بعد مشتمل بر مؤلفه‌های اساسی همچون الگوی اسلام سیاسی، استقلال و مقاومت در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ و همچنین حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان است.

- الگوی اسلام سیاسی

شکل تحقق‌یافته الگوی اسلام سیاسی در ایران تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی- شیعی و انقلاب اسلامی ایران، نوعی منحصر‌به‌فرد است که با مظاهری همچون «ولایت فقیه» و «مردم‌سالاری دینی» شناخته می‌شود. «ولایت فقیه» یکی از مبانی اصلی در این الگوی سیاسی است که ظرفیت عظیمی برای اعمال قدرت نرم بر شیعیان دنیا را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد. امروزه دامنه نفوذ ولی فقیه تنها محدود و منحصر به قلمرو کشور تحت حکومتش نیست؛ بلکه ممکن است احکام و فرامین وی برای بسیاری از شیعیان معتقد به نظریه ولایت فقیه در سرتاسر جهان تشیع نیز قابل پذیرش باشد و همین مسئله به ولی فقیه توانایی تعیین دستور کار می‌بخشد. از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون می‌توان مواردی را برشمرد که ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران دستور کاری را تعیین کرده که به‌صورت خودجوش از سوی شیعیان یا حتی غیرشیعیان در سایر کشورها مورد قبول واقع شده است. برای مثال، می‌توان به این موارد اشاره کرد: فراخوان امام خمینی (ره) برای نام‌گذاری آخرین جمعه ماه رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس، حکم ارتداد سلمان رشدی، هفته وحدت، برائت از مشرکین و... مردم‌سالاری دینی نیز یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی در نظر گرفت. انقلاب اسلامی فراتر از یک حرکت سیاسی، دربردارنده یک ایدئولوژی و جهان‌بینی بدیع و یک مدل حکومت‌داری ناشناخته بود. امتزاج کامل دین و سیاست در صحنه مدیریت جامعه سیاسی و پیدایش حکومتی که یک رهبر دینی را در صدر خود می‌دید، تصویری را خلق کرد که برای جهانیان بسیار تازگی داشت. لذا پس از آن تحلیلگران مسائل

سیاسی توجه ویژه‌ای به بررسی نقش عوامل فرهنگی و ایدئولوژیک در شکل‌دهی به پدیده انقلاب در قالب «نظریه فرهنگی انقلاب‌ها» کردند (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۲). مردم‌سالاری دینی ظرفیت جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. لذا شایسته است علاوه بر شناخت این ظرفیت‌ها، نسبت به رفع موانع و چالش‌ها و ارائه راهکارهایی از جمله تولید ادبیات، هنجارسازی، مدیریت تصویر، مدیریت تحول و مدیریت زمان اقدام بایسته صورت پذیرد. در این میان، شایسته است الگوهای مختلف مردم‌سالاری دینی و قابلیت سازگاری آن با نظام‌های ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی و نیز قابلیت انطباق آن با جوامع اهل سنت و به‌ویژه با فقه مذاهب شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی تبیین و نحله‌ها و قرائت‌های مختلف و متکثر از مردم‌سالاری دینی از زوایای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

- استقلال و مقاومت

یکی از اصول و مباحث اصلی و مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران، حفظ استقلال و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های سلطه‌گر است. این امر مهم از آرمان‌های اصلی مردم ایران در انقلاب اسلامی بود که با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بر آن پای فشردند. در قانون اساسی با تعبیرات مختلف، بر این اصل تأکید شده است که از آن جمله است:

- «طرده کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» (بند ۵ اصل ۵)؛
- «تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» (بند ۶ اصل ۵)؛
- «تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت، کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» (بند ۱۲ اصل ۵)؛
- «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است...» (اصل ۹).

بنابراین می‌توان گفت که استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر دخالت قدرت‌های بزرگ در زمره بنیادی‌ترین ارزش‌های سیاسی - فرهنگی انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند که در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت، منظومه کامل گفتمانی

انقلاب را هویت و معنا می‌بخشند. البته این ارزش‌ها مولود انقلاب اسلامی نیستند؛ بلکه از آموزه‌های اسلامی مانند قاعده «نفی سبیل» نشأت می‌گیرند. بر همین مبنا انقلاب اسلامی هم‌زمان به نفی وابستگی به بیگانگان پرداخت و همین امر موجب شد که فرهنگ استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی در سطوح مختلف استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی و استقلال نظامی مبنا قرار گیرد. بنابراین استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی آن را در هیأت یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام تعدادی از ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست در سرتاسر جهان قرار دارد. این ارج‌گذاری تنها مختص ملت‌های مسلمان نیست؛ بلکه حتی در میان غیرمسلمانان استکبارستیز در نقاط مختلف دنیا نیز می‌توان افرادی را سراغ گرفت که علاقه‌مند به هویت مستقل و مقاوم انقلاب اسلامی هستند؛ لذا جذابیت ذاتی ارزش‌های استقلال و مقاومت در نظر شمار قابل توجهی از مردمان خارجی، آن را به منابعی برای اعمال قدرت نرم که قابلیت اعمال از طریق دیپلماسی فرهنگی را دارد، تبدیل کرده است (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۳).

- حمایت از مظلومان، مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش

دفاع از حقوق مسلمانان و حمایت از مستضعفان در هر کجای عالم و پشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم به‌عنوان یک ارزش اساسی از همان ابتدای انقلاب اسلامی مورد تأکید ویژه قرار گرفت. البته این ارزش ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام دارد؛ زیرا به استناد نص صریح قرآن کریم حمایت از مظلومان و مستضعفان تکلیفی شرعی و ایمانی است که خداوند برعهده مؤمنان نهاده است: «شما را چه شده است که در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، آنان که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستمگر هستند بیرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستی برای ما قرار ده و از سوی خودت، یآوری برای ما تعیین فرما» (نساء/ ۷۵). با توجه به ذات ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی ایران، جمهوری اسلامی موظف است در هر نقطه از جهان که مظلومان و مستضعفان علیه ظلم و استکبار مبارزه می‌کنند، از آنان حمایت کند و زمینه را برای تشکیل تمدن بزرگ اسلامی فراهم آورد. در همین زمینه، بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی «تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان» را یکی از اقدامات لازم برای نیل به اهداف و

اصول نظام که در اصل دوم قانون اساسی بیان شده، می‌داند. «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» (قانون اساسی، اصل ۱۵۴). رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای مبارزه با ظالمان و جائران و حمایت از مظلومان و مبارزان را محدود به مرزهای جغرافیایی نمی‌داند و جغرافیای آن را سرتاسر عالم بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم؛ اینها جزو اصول ماست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴). البته باید توجه داشت که مؤلفه‌های گفتمان انقلاب نیز تنها منحصر به طبقه حاکمیت نیست و جامعه ایرانی نیز به بسیاری از پدیده‌های سیاسی از همین منظر می‌نگرد. نظرسنجی وزارت ارشاد با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نشان می‌دهد که نگرش موجود در جامعه ایران نسبت به مسائل جهانی، بیشتر انقلابی و هوادار تغییر اوضاع موجود در جهان است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۰).

جدول ۲. نگرش ایرانیان به مسائل جهانی (به درصد) (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۰)

نگرش	حمایت از مستضعفان جهان	آزادی قدس	برقراری حکومت اسلامی در جهان	مبارزه با امریکا
مخالف	۱۲/۱	۷/۲	۹/۳	۲۲/۵
مردد	۷/۹	۸/۲	۱۰	۱۳/۵
موافق	۸۰	۸۳/۹	۸۰/۷	۶۴
پاسخ‌های معتبر	۴۵۰۳	۴۳۹۹	۴۳۷۵	۴۳۲۱

امروزه بر همگان مبرهن است که اثربخشی حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مبارز و نهضت‌های آزادی‌بخش، به ویژه در کشورهایی مانند لبنان، فلسطین و ... واکنش و حساسیت

جدی دشمنان انقلاب اسلامی به خصوص امریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی را به دنبال داشته است. لذا در چهار دهه گذشته همواره تلاش کرده‌اند تا با دامن زدن به ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و فشارهای همه‌جانبه، به خصوص تحریم‌های اقتصادی، حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم مبارز و مظلوم منطقه را قطع کنند.

ج) بُعد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ضرورت به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی در سطح سیاست خارجی برای رسیدن به منافع و به‌ویژه تحقق ارزش‌ها یا کسب نتایج مطلوب، همراه با کاهش هزینه‌های اجرا و رفع تبعات منفی و مخرب به‌کارگیری خشونت، آشکار می‌شود. این موضوع به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ایران که از اهداف متعالی و ارزش‌های معنوی غیرمبتنی بر زور و اجبار بهره‌مند است، جنبه انسانی و مکتبی داشته و مخاطب آنها نه تنها مسلمانان که تمام بشریت است، اهمیتی جدی دارد (موسوی‌جشنی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). در همین زمینه، باید اذعان داشت که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلام و تأکید بر فرهنگ و ارزش‌های برآمده از آن ضدیت با نظام سلطه، وحدت‌گرایی، اقدامات خیرخواهانه و بشردوستانه و برادری و وفای به عهد را به‌عنوان مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داده است.

- نفی سلطه و استکبارپذیری

موضوع مبارزه با نظام سلطه همواره در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح بوده است. اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی نیز موضوع نفی سلطه را به‌صراحت بیان کرده است. ضدیت با نظام سلطه طی چهار دهه گذشته، به‌عنوان یک راهبرد مستمر و تغییرناپذیر همواره سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است و بی‌درنگ نام انقلاب اسلامی با نفی سلطه و مقابله با امپریالیسم امریکا و صهیونیسم جهانی درهم می‌آمیزد (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «امروز مظهر نظام سلطه، آمریکاست. هر سیئه‌ای که در دنیا براساس نظام سلطه به وجود آید، حتماً بخشی از گناه آن به گردن آمریکاست. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم امریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافی فرض کرد، حق دارد در آن نقطه، حضور

قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد... این قانون جنگل و نظامی غیرانسانی برخلاف فطرت انسان است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰).

در واقع، جمهوری اسلامی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رویکرد به اصولی چون مقابله با نظام‌های سلطه و نفی قدرت‌های استکباری، موازنه قدرت‌های مسلط جهانی را در تقسیم جهان به دو قطب شرق و غرب برهم زد و این روند موجب پیدایش و رشد طیف‌های جدیدی از مقاومت در برابر سیطره‌طلبی قدرت‌های جهانی شد. به اعتقاد تحلیلگران سیاسی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برافراشتن بیرق مبارزه با استکبار جهانی و فروریختن تابوی شکست‌ناپذیری استکبار و صهیونیسم جهانی است که سبب شد موقعیت ایران اسلامی در جهان اسلام و در عرصه سیاست بین‌الملل به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش برجسته شود. در این میان، به نظر می‌رسد که اهتمام به دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باعث می‌شود تا منش و فرهنگ نفی سلطه و استکبارپذیری در عرصه بین‌الملل و افکار عمومی جهانیان شیوع و ترویج یابد.

- وحدت‌گرایی و تقریب مذاهب اسلامی

وحدت میان مذاهب اسلامی، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران مطرح شد و از عمق ریشه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی آن سرچشمه گرفت. در همان روزها بود که امام خمینی (ره) فاصله بین دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول را «هفته وحدت» اعلام کرد تا از بروز اختلاف‌های بزرگ‌تر جلوگیری و زمینه وحدت و همگرایی ملل اسلامی فراهم شود. حضرت امام خمینی (ره) ارتباطات فرهنگی و ایدئولوژیک با سایر کشورها، به‌خصوص ممالک اسلامی را موجب افزایش تفاهم و همگرایی و تعامل میان ملت‌ها تلقی فرمودند و معتقد بودند: «اسلام با همه کشورهایی که در جهان هستند، می‌خواهد دوست باشد و دولت اسلامی با همه ملت‌ها و با همه دولت‌ها می‌خواهد که تفاهم و ارتباط صحیح داشته باشد، در صورتی که آنها متقابلاً احترام دولت اسلامی را مراعات کنند» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳: ۴۵). در حقیقت، وحدت‌گرایی و تقریب مذاهب در گفتمان انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویکرد اصلی و اولویت اقدامات و عملکرد تمامی دستگاه و نهادهای متولی، از جمله «مجمع جهانی تقریب

مذاهب» است.

- اقدامات خیرخواهانه و انسان‌دوستانه

اتخاذ سیاست خارجی و اخلاق‌مدار می‌تواند مولد قدرت نرم برای یک کشور باشد. به عبارت دیگر، اقدامات اخلاقی، خیرخواهانه و غیرمنفعت‌محور یک کشور در تعامل با جوامع خارجی موجب شکل گرفتن تصویری مطلوب از آن در اذهان مردمان این جوامع خواهد شد و بستر مناسبی را به منظور اعمال نفوذ مؤثر بر آنان فراهم خواهد ساخت. البته سیاست خارجی خیرخواهانه و بشردوستانه ممکن است از منظر عقلانیت ابزاری و با حساب هزینه و فایده‌چندان مقرون به صرفه نباشد و معمولاً باوردداشت‌های ایدئولوژیک مبنای اجرای آن قرار می‌گیرد؛ اما در زمان بروز فجایع انسانی ناشی از حوادث طبیعی یا مخاصمات مسلحانه هر انسانی تعهد اخلاقی دارد به کمک انسان‌های نیازمند بشتابد. در این تعهد اخلاقی نه دین و مذهب تأثیری دارد، نه زبان و نژاد و نه تقاضا یا عدم تقاضای شخص نیازمند؛ تنها شرط لازم برای پدید آمدن چنین تعهدی، آگاهی شخص توانمند از نیاز هم‌نوع او است. در فرهنگ و ادبیات دینی ایرانیان بر این تعهد اخلاقی تأکید شده است (قربان‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۱). سیاست خارجی خیرخواهانه جمهوری اسلامی ایران در قالب اقداماتی چون سرمایه‌گذاری غیرمنفعت‌محور در بازسازی کشورهایمانند عراق و لبنان یا اعطای کمک‌های بلاعوض به سیل‌زدگان پاکستانی یا قطعی‌زدگان سومالیایی با عاملیت نهادهایی مانند جمعیت هلال احمر یا کمیته امداد امام خمینی (ره)، یکی دیگر از منابع مولد قدرت نرم ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی تلقی می‌شود.

- برادری و وفای به عهد

برادری و وفای به عهد در زمره اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. دولت اسلامی موظف است با رویکردی برادرانه و فارغ از هرگونه خیانت، در تمام مراودات، معاهدات و پیمان‌های سیاسی و نظامی با جوامع دیگر با دیده احترام بنگرد و التزام و پایبندی خویش را حفظ کند. در برخی آیات قرآن به‌طور مطلق به رعایت پیمان‌ها اشاره شده و برخی دیگر التزام به پیمان را یک تکلیف و مسئولیت عنوان می‌کنند. امام علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه لزوم وفای به عهد و التزام به پیمان‌های سیاسی و نظامی را آن‌چنان مهم می‌خواند که شکستن آن را

صلاح نمی‌داند. امام(ع) می‌فرمایند: «اگر میان تو و دشمنت پیمانی بسته شد و یا تعهد کردی که به وی پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خویش بپوشان و تعهدات خویش را محترم بشمار و جان خویش را سپر تعهدات خویش قرار ده؛ زیرا هیچ یک از فرایض الهی نیست که همچون وفای به عهد و پیمان مورد اتفاق مردم جهان باشد، حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، زیرا عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند. لذا هرگز پیمان‌شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین، از نظر فرهنگ اسلام التزام به اصل اخوت و وفای به عهد، یک سیاست راهبردی و بلندمدت است که تحت هیچ شرایطی مجوزی برای نقض آن وجود ندارد. احساس برادری و وفای به عهد و عدم خیانت به دیگران خصوصاً در حوزه سیاست خارجی ریشه در فرهنگ ایرانی - اسلامی دارد و این مؤلفه می‌تواند ضمن جذابیت‌بخشی به سیمای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اثر بازدارندگی زیادی بر ترویج اسلام‌هراسی داشته باشد.

جدول ۳. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ❖ اعتقاد به ولایت و عصمت حضرت علی(ع) و یازده فرزندان پسر او به‌عنوان امامان و جانشینان بر حق پیامبر اسلام(ص) در بین شیعیان* ❖ اعتقاد به ظهور امام عصر(عج) به‌عنوان امام حقی در بین شیعیان ❖ توسل به ائمه هدی و اعتقاد به شفاعت ❖ اعتقاد به الهی بودن منصب امامت و کامل شدن دین از طریق ولایت ❖ باور به قیام امام حسین(ع) و الگوی عاشورا 	مذهب شیعی	فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی	۱
<ul style="list-style-type: none"> ❖ عدالت آموزشی* ❖ عدالت سیاسی* ❖ عدالت اقتصادی* ❖ عدالت فرهنگی* ❖ عدالت اجتماعی* 	ترویج عدالت		

*. برخی از شاخص‌ها برگرفته از کار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان «شاخص‌های راهبردی فرهنگ» است که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است.

ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> اعتقاد به ظهور امام عصر(عج) در میان شیعیان و حتی سنی‌ها ترویج برگزاری جشن‌های نیمه شعبان در مناطق شیعه‌نشین تأکید علما و نخبگان شیعه بر تبلیغ و ترویج تفکر جهانی و آینده‌نگری مهدویت محور 	<ul style="list-style-type: none"> مهدویت و فرهنگ انتظار 	فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی	۱
<ul style="list-style-type: none"> احترام ملت‌های آزاده و مسلمان به شهدای انقلاب اسلامی^۵ از خودگذشتگی مالی و جانی مردم عراق، لبنان، یمن، سوریه و... بالا تر دانستن حیات اخروی بر حیات دنیوی شهدای محور مقاومت 	<ul style="list-style-type: none"> اینار و شهادت 		
<ul style="list-style-type: none"> نفوذ و نقش بالای روحانیت در مسائل و پدیده‌های اجتماعی فصل الخطاب بودن مواضع و فتاوی مرجعیت در مسائل و بحران‌ها و داورها اثرگذاری رأی سیاسی عالم دینی، به ویژه مراجع در مشارکت انتخاباتی فراگیری فتوای جهاد 	<ul style="list-style-type: none"> مراجع دینی و حوزه‌های علمیه 		
<ul style="list-style-type: none"> علاقه‌مندی همسایگان به شناخت میراث فرهنگی ایرانی آشنایی با نمادها و اسطوره‌های مذهبی راهپیمایی فرامذهبی اربعین سکونت ایرانیان در بسیاری از کشورهای دنیا میزان بالای زائرین عتبات عالیات 	<ul style="list-style-type: none"> گردشگری مذهبی و مهاجرت 		
<ul style="list-style-type: none"> علاقه‌مندی به آثار ادبیات و اشعار فارسی^۶ افتخار به خط و زبان فارسی در میان کشورهای علاقه‌مند خریدوفروش کتاب‌های فارسی در کشورهای همسایه و حتی اروپا برگزاری دوره‌های زبان فارسی در عراق، لبنان، آذربایجان، ترکیه و.. 	<ul style="list-style-type: none"> زبان و ادبیات فارسی 		
<ul style="list-style-type: none"> علاقه‌مندی به رسوم و مناسبت‌های ایرانی برگزاری جشن نوروز در قلمرو مشترک برگزاری راهپیمایی اربعین در مقیاس جهانی مراسمات عزاداری، جشن مذهبی و... 	<ul style="list-style-type: none"> آیین‌ها و مراسمات (نوروز و اربعین) 		
<ul style="list-style-type: none"> استقبال از فیلم، نمایش و تئاتر مذهبی و تاریخی علاقه‌مندی برخی از مردم منطقه به موسیقی ایرانی استقبال از نمایشگاه‌های فرهنگی ایرانی در حوزه‌های عکس، هنرهای تجسمی، صنایع دستی و... 	<ul style="list-style-type: none"> آثار و محصولات فرهنگی - هنری 		
<ul style="list-style-type: none"> تحصیل دانشجویان خارجی در ایران تحصیل طلاب خارجی در ایران و بالعکس جمعیت بالای دانشجویان خارجی در جامعه المصطفی تفاهم‌نامه علمی و آموزشی بین دانشگاهی برگزاری نشست‌های تخصصی و علمی متقابل برگزاری نمایشگاه کتاب و محصولات علمی 	<ul style="list-style-type: none"> همکاری علمی - آموزشی 		

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۲	ارزش‌های سیاسی	الگوی اسلام سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> ❖ جذابیت مردم‌سالاری دینی در جوامع مسلمان ❖ کسب اکثریت آرا در انتخابات توسط چهره‌های مذهبی در برخی کشورها از جمله لبنان و عراق ❖ شرکت مردم سایر کشورها در راهپیمایی‌ها و آیین‌های سیاسی-عبادی مثل نماز جمعه و روز قدس ❖ نفی لیبرال دموکراسی
			<ul style="list-style-type: none"> • ترویج قاعده نفی سبیل* • تعمیق خودباوری و باور به شکست‌پذیری رژیم اسرائیل • استقلال فکری و فرهنگی • مقاومت و مقابله با نقشه‌های دشمنان* • اعتقاد به گفتمان مقاومت در برابر دشمن • گسترش فرهنگ سازش‌ناپذیری با دشمنان اسلام
		حمایت از مستضعفین	<ul style="list-style-type: none"> ❖ پذیرش گروه‌ها و جریان‌های معارض اسلام‌گرا و مبارز ❖ ترویج برگزاری راهپیمایی روز قدس ❖ حمایت همه‌جانبه از مردم عراق حتی اهل سنت در جریان جنگ با داعش
۳	سیاست خارجی	نفی سلطه و استکبارستیزی	<ul style="list-style-type: none"> • تعمیم اعتقاد به مستکبر بودن امریکا در میان ملل مسلمان • تأکید بر اخراج اشغالگران از عراق و افغانستان و ... • اعتقاد به غاصب و جعلی بودن اسرائیل و لزوم مبارزه با آن • نفی خودباختگی در برابر بیگانگان و سد نفوذ آنان* • تبلیغ استکبارستیزی • نفی ظلم و ظلم‌پذیری*
			کمک‌های انسان‌دوستانه
		وحدت‌گرایی و تقرب مذاهب	<ul style="list-style-type: none"> ❖ تلاش برای تمرکز بر نمادهای دینی مشترک (قرآن، قیله، پیامبر و...) ❖ کاستن از اختلافات داخلی گروه‌ها و جریان‌های شیعی با اهل سنت ❖ کمک جمهوری اسلامی ایران به انسجام، همبستگی و همدلی در عراق، لبنان، سوریه و... ❖ تبلیغ لزوم وحدت مسلمین و ضرورت مبارزه با تفرقه‌افکنی استکبار
		اخوت و وفای به عهد	<ul style="list-style-type: none"> ❖ حس برادری و اخوت با مردم مسلمان جوامع دیگر ❖ همکاری همه‌جانبه در مبارزه با تروریسم و داعش ❖ اشتها ایرانیان به همدلی و وفای به عهد

۱۱. اثربخشی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی در دنیای امروز، پدیده‌ای ترکیبی و چندوجهی است. یک وجه، دربرگیرنده ابعاد فرهنگی و دینی است و بعد دینی به اعتقادات و رفتار مسلمانان در چشم‌انداز دیگران بازگشت پیدا می‌کند، اما فقط به آن منحصر نشده و عنصر ترس این ترکیب نیز باید مدنظر قرار گیرد. اسلام‌هراسی یا اسلام را به‌عنوان یک تهدید به حساب آوردن، عامل مهمی در تعیین طبیعت رابطه میان ایالات متحده آمریکا و مسلمانان، به‌ویژه آن دسته از ملت‌های مسلمان است که ایالات متحده با آنها مشکل دارد. دیدگاه اسلام‌هراسی معتقد است که اسلام هیچ ارزش مشترکی با فرهنگ‌های دیگر ندارد؛ نسبت به غرب، فرهنگ آن پست‌تر است؛ بیشتر یک ایدئولوژی سیاسی خشن است تا یک دین؛ انتقادهای آن از غرب، بی‌ارزش است و اقدامات تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان موجه است. از این رو، عقیده بر این است که اسلام طبیعتاً غرب را تهدید می‌کند (ایزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). در دهه‌های اخیر، ترس غربی‌ها از خطر رو به گسترش اسلام‌گرایی، بیم احتمالی از جنگ اسلام و غرب و تغذیه این هراس‌ها از سوی گروه‌های صهیونیستی، در تقویت روند اسلام‌ستیزی در غرب بسیار مؤثر بوده است. در سال‌های گذشته، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، موج‌های خبری رسانه‌ها به مسلمانان جهان، به خصوص مسلمانان در غرب هجوم برده و موضوع‌های این اخبار، تنها حول محور جنگ علیه ترور می‌چرخد. البته یکی از مصداق‌های تبلیغات منفی علیه اسلام، تعصب‌های شدید بنیادگرایی افراطی مذهبی است که نمادهای آن در قالب طالبان و سلفی‌گری ظاهر شده و متأسفانه عملکرد آن، به کل جهان اسلام، تعمیم و تسری یافته است. با توجه به اینکه هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه دیدگاه روشن و موجه نسبت به مفروضات، ارزش و فرهنگ رفتاری نظام برای بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل، شامل: دولت‌ها، سازمان‌های دولتی بین‌المللی و غیردولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است؛ لازم است جمهوری اسلامی ایران با کمک دیپلماسی فرهنگی و با تکیه بر ابعاد و مؤلفه‌های اساسی آن، با اسلام‌هراسی غرب مقابله کند.

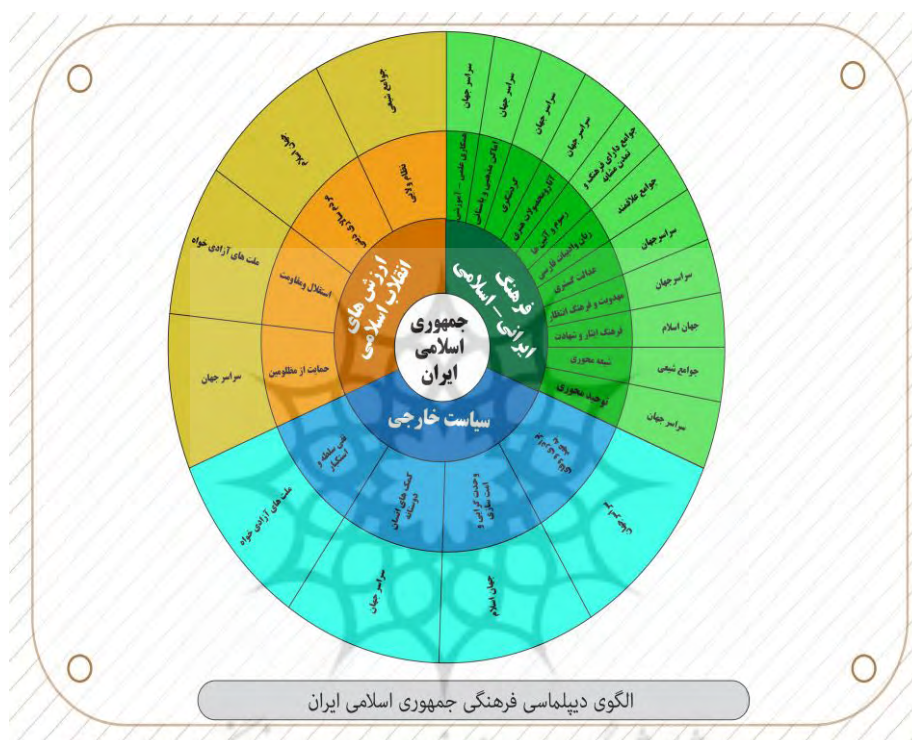
جدول ۴. ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی بر اسلام‌هراسی

ردیف	مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی	دامنه نفوذ و تأثیرگذاری بر اسلام‌هراسی		تأیید/رد
		نظرات موافق	نظرات مخالف	
۱	مذهب شیعی	۱۳	۱	تأیید
۲	عدالت طلبی	۱۵	۰	تأیید
۳	مهدویت و فرهنگ انتظار	۱۳	۲	تأیید
۴	ایثار و شهادت	۱۵	۱	تأیید
۵	مراجع دینی و حوزه های علمیه	۱۳	۳	تأیید
۶	گردشگری (مذهبی، سیاحتی و درمانی) و مهاجرت	۱۵	۰	تأیید
۷	آیین نوروز	۱۲	۳	تأیید
۸	زبان و ادبیات فارسی	۱۳	۲	تأیید
۹	همکاری علمی - آموزشی و اجتماعی	۱۲	۳	تأیید
۱۰	آثار و محصولات فرهنگی و هنری	۱۵	۰	تأیید
۱۱	الگوی اسلام سیاسی	۱۴	۱	تأیید
۱۲	استقلال و مقاومت	۱۵	۰	تأیید
۱۳	حمایت از مظلومین و مستضعفین	۱۴	۱	تأیید
۱۴	نفی سلطه و استکبار	۱۵	۰	تأیید
۱۵	کمک‌های انسان دوستانه	۱۴	۱	تأیید
۱۶	وحدت‌گرایی و تقریب مذاهب	۱۵	۰	تأیید
۱۷	برادری و وفای به عهد	۱۵	۰	تأیید

از ماحصل مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله، الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت مؤثر، مناسب و قابل اجرا برای بهبود فرایند دیپلماسی فرهنگی و تولید قدرت نرم بدین شکل ارائه می‌شود:

به منظور بررسی اعتبار الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تکنیک دلفی، ابتدا پرسشنامه محقق‌ساخته براساس مراحل و ابعاد الگو و مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تهیه شد؛ به این صورت که مراحل الگوی دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابعاد پرسشنامه و مؤلفه‌ها و دامنه نفوذ هر کدام از آنها به عنوان گویه‌ها در نظر گرفته شدند و از ۱۵ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران در

عرصه فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی خواسته شد تا میزان موافقت خود را با هر یک از گویه‌های ذکر شده روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از بسیار زیاد تا بسیار کم) ثبت کنند. پس از گردآوری داده‌ها از آزمون دو جمله‌ای برای تحلیل داده‌ها و تعیین اعتبار الگوی طراحی شده استفاده شد. با توجه به اینکه مقیاس مورد استفاده در این پرسشنامه یک مقیاس پنج درجه‌ای با طیف لیکرت



(بسیار زیاد: ۵، زیاد: ۴، متوسط: ۳، کم: ۲ و خیلی کم: ۱) بود؛ لذا نقطه ۳ به عنوان میانگین پاسخ‌ها مدنظر قرار گرفت. در این حالت دو محدوده تأیید (بالای میانگین) و رد (پایین میانگین) در نظر گرفته شد و مجموع پاسخ‌هایی که بالاتر از میانگین بودند به عنوان حالت تأیید و مجموع پاسخ‌هایی که مساوی یا پایین تر از میانگین بودند، به عنوان حالت رد تعریف شدند. فراوانی پاسخ‌ها در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول ۵. آزمون دوجمله‌ای برای اعتباریابی الگوی طراحی شده

روایی (نتیجه آزمون دوجمله‌ای)	P (سطح معناداری)	مجموع فراوانی‌های متوسط، کم و بسیار کم	مجموع فراوانی‌های بسیار زیاد و زیاد	گویه‌ها	رتبه	ابعاد
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	مذهب شیعی	۱	فرهنگ ایرانی - اسلامی
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	عدالت طلبی	۲	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	مهدویت و فرهنگ انتظار	۳	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	ایثار و شهادت	۴	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	مراجع دینی و حوزه های علمیه	۵	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	گردشگری (مذهبی، سیاحتی و درمانی) و مهاجرت	۶	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	آیین نوروز	۷	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	زبان و ادبیات فارسی	۸	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	همکاری علمی - آموزشی و اجتماعی	۹	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	آثار و محصولات فرهنگی و هنری	۱۰	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	الگوی اسلام سیاسی	۱۱	ارزش های انقلاب اسلامی
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	استقلال و مقاومت	۱۲	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	حمایت از مظلومین و مستضعفین	۱۳	
تأیید	۰/۰۰۰	۰	۱۵	نفی سلطه و استکبار	۱۴	سیاست خارجی
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	گمگدای انسان دوستانه	۱۵	
تأیید	۰/۰۰۱	۱	۱۴	وحدت‌گرایی و تقریب مذاهب	۱۶	
تأیید	۰/۰۲۵	۳	۱۲	برادری و وفای به عهد	۱۷	

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نتیجه آزمون دو جمله‌ای برای تمامی ابعاد و گویه‌های الگو معنادار بود ($p < 0/05$) و این نشان‌دهنده تأیید روایی هر یک از گویه‌ها و نیز الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بهره‌گیری از نظریه قدرت نرم جوزف نای، فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌عنوان ابعاد سه‌گانه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفت که با کاربست مؤلفه‌های آن، الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ارائه شد. الگوی ارائه‌شده تشابهی با ساختار و ماهیت اندیشه سکولار ندارد؛ یعنی مبانی فکری، ارزش‌ها، هدف، فرایند تاریخی و تطوراتی متمایز از گفتمان سکولار دارد و پایه‌گذار فرایندی معرفتی از طریق عرضه فرهنگ ایرانی-اسلامی و نظام ارزش‌ها و اعتقادات دینی برآمده از آن، به منظور مواجهه با اسلام‌هراسی است. براساس این الگو، جمهوری اسلامی ایران، با هدف آگاه‌سازی، درک و شناخت متقابل و الهام‌بخشی، برنامه‌های راهبردی را در ارتباط با مردم و دولت‌های مخاطب طراحی و اجرا می‌کند. در این زمینه، منابع سه‌گانه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران یعنی «فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی، ارزش‌های انقلاب اسلامی و سیاست خارجی» به‌مثابه پشتوانه و ابعاد اصلی دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شوند که با کاربست مؤلفه‌های آنها می‌توان ضمن به‌فعلیت رساندن قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، از حساسیت‌های قومی-مذهبی در جوامع مختلف نسبت به دامنه نفوذ انقلاب اسلامی کاست و جاذبه را جایگزین واژه و ترس از اسلام و انقلاب اسلامی کرد. البته باید توجه داشت که کاربرد این الگو مستلزم توجه جدی به دامنه و قلمرو نفوذ مشخص شده است و هر بخش از آنها متناسب با ظرفیت‌ها و اشتراکات، برای دسته‌ای از مخاطبان خارجی قابل بهره‌برداری است. برای مثال، چه‌بسا ارزش استکبارستیزی برای مردم یک جامعه مسلمان آسیایی جذابیت فراوانی داشته باشد و موجب ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آن جامعه شود؛ اما همین ارزش نتواند تأثیری بر مردم یک جامعه مسیحی اروپایی بگذارد. در نتیجه، این وظیفه نهادهای متولی فرهنگی است که نسبت به ظرفیت‌های جامعه هدف و به‌فراخور زمان، موقعیت، نوع و هویت مخاطب، نوع پیام و... با رویکردی کاملاً گزینشی به مؤلفه‌های الگوی دیپلماسی فرهنگی رجوع کنند و مؤلفه مناسب را برای پیشبرد اهداف، انتخاب و به‌شیوه‌ای هوشمندانه و به‌دور از حساسیت‌زایی اعمال کنند. لذا الگوی دیپلماسی فرهنگی می‌بایست به‌صورت تخصیصی و

تجویزی براساس سنخیت با جامعه هدف و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه مخاطبان خارجی اعمال شود.

لازم به ذکر است که کنشگران دخیل در فرایند الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان در سه سطح، شامل: نظارت راهبردی (معاونت بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری و شورای عالی انقلاب فرهنگی)، هماهنگی (وزارت امور خارجه) و اجرا (سازمان فرهنگ و ارتباطات، سازمان صدا و سیما، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مجمع جهانی تقریب مذاهب، جامعه‌المصطفی، نیروی قدس سپاه، بنیاد سعدی و شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، سازمان‌های مردم‌نهاد و...) تقسیم‌بندی کرد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۳۰). ترجمه فیض الاسلام. تهران: مهرآیین.
۳. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). صحیفه نور. ج ۲، ج ۹. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). صحیفه امام. ج ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۶. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). بیانات در تاریخ‌های ۱۳۷۴/۸/۱۰، ۱۳۷۴/۱۰/۱۶، ۱۳۷۴/۱۲/۱۲، ۱۳۸۳/۳/۱۴، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۷. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹). فرهنگ و شبه فرهنگ. تهران: انتشارات توس.
۸. اسلامی، روح‌الله و ذوالفقاریان، فاطمه (۱۳۹۰). «پدیدارشناسی الزامات دیپلماسی اسلامی». فصلنامه سیاست خارجی. س ۲۵، ش ۴.
۹. افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). قدرت نرم: نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. امینی، آرمین و انعامی‌علمداری، سهراب (۱۳۹۱). «جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی». فصلنامه راهبرد. س ۲۱، ش ۶۵.
۱۱. الویری، محسن و قرائتی، حامد (۱۳۹۲). «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار، مطالعات تاریخ فرهنگی». پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۵، ش ۱۷.
۱۲. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات بسیج، س ۱۱، ش ۴۱.
۱۳. ایزدی، فؤاد (۱۳۸۹). «اسلام‌هراسی در ایالات متحده». مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
۱۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. بوستان کتاب.
۱۵. ترابی، قاسم و رضایی، علیرضا (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی». فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴، س ۱۴.

۱۶. جعفری پناه، مهدی و میراحمدی، منصور (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی». فصلنامه معرفت سیاسی، س ۴، ش ۲.
۱۷. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب». س اول، ش ۴.
۱۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸). جغرافیای سیاسی ایران. ج ۳. تهران: سمت.
۱۹. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵). «مبانی فلسفه سیاسی اسلام از دیدگاه مقام معظم رهبری». فصلنامه حصون، ش ۷.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
۲۱. خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها». فصلنامه دانش سیاسی، ش ۲.
۲۲. خرازی آذر، رها (۱۳۸۸). «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها». فصلنامه مدیریت فرهنگی، ش ۶.
۲۳. خلیلی، محسن و حمیدی، سمیه (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی». فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی.
۲۴. درخشه، جلال و غفاری، مصطفی (۱۳۹۰). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، س ۱۲، ش ۱۶.
۲۵. دهشیری، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۲). جایگاه تکافل و رفتارهای حمایت‌گرا نه در دیپلماسی فرهنگ، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی.
۲۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۷. رحمانی، منصور (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی». فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. س ۶، ش ۱۵.
۲۸. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). کارنامه اسلام. ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. ستوده‌آرانی، محمد و علویان، مرتضی (۱۳۹۱). «راهکارهای دیپلماسی عمومی و رسمی ایران در مواجهه با اسلام‌هراسی غرب». فصلنامه علوم سیاسی. ش ۵۸.

۳۰. سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۳). *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳۱. سعیدی، روح‌الامین و مقدم‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*. س ۴، ش ۱۱.
۳۲. سلیمی، حسین (۱۳۸۶). «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران». *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۳.
۳۳. سمیعی اصفهانی، علیرضا و فتحی مظفری (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*. س ۱۹، ش ۷۰.
۳۴. سیدامامی، کاووس و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۰). «زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمان‌د در بریتانیا». *مجله دانش سیاسی*، ش ۱۴.
۳۵. صادقی، محمدمسعود (۱۳۹۳). *مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سخنوران.
۳۶. صالحی امیری، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.
۳۷. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۳۸. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). «۱۱ سپتامبر و گسترش پدیده اسلام‌هراسی غرب». *جستارهای سیاسی معاصر*. دوره ۱، ش ۲.
۳۹. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۳). «تعهد دولت‌ها به ارائه و پذیرش کمک‌های بشردوستانه». *فصلنامه حقوق تطبیقی*، ش ۲.
۴۰. قطعنامه ۲۵۳ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۱۰ در مورد عید نوروز.
۴۱. گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، تگاهی به قدرت نرم‌افزای جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۲. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳). *روحیه عدالت‌خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.

۴۳. مسعودنیا، حسن و قربانی، سعید (۱۳۹۳). «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های انقلاب اسلامی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی. س ۴، ش ۱۱.
۴۴. موسوی جشنی، سید صدرالدین (۱۳۹۳). فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام. س ۱، ش ۱.
۴۵. نای، جوزف (۲۰۱۱). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در روابط بین‌الملل. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، چ ۲. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۶. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴۷. واعظی، محمود (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴۸. هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی». فصلنامه روابط خارجی، ش ۳.
۴۹. هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸). «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه». دانش سیاسی. ش ۱۰.
50. Cummings, Milton C. (2003). Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey. Washinton DC: Center for Arts and Culture
51. Dalone, Gifford (1998). Political Advocacy and Cultural Communication: Organization the Nation"s Public Diplomacy , University Press of America.
52. Nay, Josephs (2003). Us power and strategy after Iraq, foreign affairs, volume 82,Number 4. July/August.
53. Ninkovich, Frank (1996). US Information Policy and Cultural Diplomacy, Foreign Policy Association
54. Habibi, Arash& Sarafrazi& Izadyar (2014). Delphi Technique Theoretical Framework in Qualitative Research The International Journal Of Engineering And Science(IJES).